

تفسیر بجای ترجمه: داستان رستم و سهراب فردوسی *

مایکل سی. هیلمن

انتشار متن علمی از داستان رستم و سهراب فردوسی همراه ترجمه جدید انگلیسی در کتاب *The Tragedy of Sohrab and Rostam*، برای معلمان ادبیات فارسی در امریکا بدین علت رویدادی خوشایند است که تا کنون جهت تدریس شاهنامه که یکی از ارکان هر برنامه درس فارسی بشمار می آید، کتاب مناسبی در دسترس نبود. بنابراین این جانب که در دانشگاه تکزاس تدریس شاهنامه را بعهده دارم بلافاصله کتاب مزبور را از ناشر خریدم و به تدریس داستان سهراب با استفاده از آن پرداختم.

منتهی در اولین برخورد دانشجویان کلاس درس فردوسی به این کتاب اعتراض کردند که در موارد بسیاری ترجمه از متن فارسی دور است. بدین دلیل ترجمه را بررسی نمودم و لیستی متجاوز از دو یست مورد اختلاف مابین ترجمه و متن فارسی شاهنامه تهیه کردم و آن را در اختیار دانشجویان گذاشتم. ضمناً مترجم کتاب را از وجود چنین لیستی مطلع ساختم و چند نمونه از این موارد را برای ایشان در نامه ای عنوان کردم با این پیشنهاد که در صورت تجدید چاپ کتاب شاید بجا باشد که اشتباهات ذکر شده اصلاح گردد. با دریافت پاسخ از مترجم حاکی از این که به نظر ایشان موارد ذکر شده نشانه اختلاف سلیقه ای بیش نیست، از این رو پیشنهادهای من در صورت تجدید چاپ کتاب، منعکس نخواهد شد، مصمم بر این شدم که آن لیست را بچاپ برسانم تا دانشجویان

* اصل این مقاله در همین شماره به زبان انگلیسی چاپ شده، ترجمه خلاصه آن نیز از نویسنده مقاله است.

فارسی در امریکا در استفاده از این کتاب گمراه نگردند. و راهنمای غلظنامه‌واری در دست داشته باشند. اما چون این لیست شامل دو یست و اندی فقره با توضیحات است که خود کتابچه‌ای می‌شود، در مقاله مندرج در بخش انگلیسی این شماره مجله ایران‌شناسی فقط نمونه‌هایی از آنها را آورده‌ام (البته هر خواننده ایران‌شناسی که مایل به مطالعه لیست جامع است، می‌تواند با نگارنده این سطور در دپارتمان زبان و ادبیات شرقی و افریقایی دانشگاه تکزاس در آستین تماس بگیرد تا کپی آن لیست را برایشان ارسال دارم).

در تهیه لیست، متوجه شدم که اشتباهات و موارد عدم رعایت امانت در ترجمه بیشتر ناشی از برداشت مترجم از ماهیت شعر و افکار فردوسی است تا از نقص و یا کمبود تسلط مترجم در قراءت متون کلاسیک فارسی. بنابراین مقاله انگلیسی‌ام به مسائلی می‌پردازد که سنت‌گرایی ساده لوحانه مترجم در شعرشناسی و برداشت پدرسالارانه ایشان از تم داستان فردوسی در ترجمه ایجاد کرده است. در این جا در هر دو مورد به ذکر یک مثال می‌پردازم: مثلاً مترجم جهت به وجود آوردن مصراعهای یکسان در متن انگلیسی که هر کدام دارای ده سیلاب است، در صدها مورد کلماتی را که در متن فارسی نیست به ترجمه اضافه می‌نماید و یا برعکس از کلمات مترادف موجود در متن فارسی در ترجمه انگلیسی اثری دیده نمی‌شود. برای نمونه در بیشتر از صد و شصت مورد کلمه *and* در اول مصراعها در متن انگلیسی دیده می‌شود در حالی که در مصراعهای متقابل فارسی نه «و» وجود دارد و نه کلمه‌ای دیگر بمعنی *and*. یعنی مترجم بخاطر وزن در اول مصراعهای انگلیسی سیلابی با تکیه گذاشته بدون در نظر گرفتن تأثیر چنین کلماتی در آهنگ و جریان داستان. مثال دوم این است که در جاهای متعددی در ترجمه، صفت‌هایی مثبت در وصف رستم، و یا برعکس، صفت‌هایی منفی در وصف سهراب مشاهده می‌شود در حالی که متن فارسی دارای چنین صفاتی نیست. مثلاً در جایی که فردوسی می‌گوید «رستم شیر دل» (بیت ۶۷) در ترجمه *"Rostam the fearless lion-heart"* ثبت شده است. تهمینه، در مورد سهراب در متن فارسی می‌گوید «آن ارجمند» (بیت ۳۴۰) در حالی که در ترجمه این جمله دیده می‌شود: *"This precious boy is still a child"*. یعنی چون مترجم معتقد است که داستان برای رستم «تراژدی» است و سهراب در این داستان تا مقداری مقصر است، متن فارسی را طوری تغییر داده و به انگلیسی برگردانده که خواننده متن انگلیسی برداشت ایشان را از داستان بپذیرد.

باری، علاوه بر انواع ملاحظات فوق، مترجم دچار اشتباهات دیگری نیز شده است که با در نظر گرفتن راهنماهای معتبر در زمینه شاهنامه فردوسی آن لغزشها بکلی تعجب آور

است. به عبارت دیگر در اکثر مواردی که کلمه یا عبارتی با اشتباه ترجمه شده و یا در ترجمه عدم وفاداری به متن مشاهده می‌شود، با استفاده از کتب ذیل چنین مسائلی پیش نمی‌آید: واژه نامک دربارهٔ واژه‌های دشوار شاهنامه از عبدالحسین نوشین (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷؟)؛ شاهنامه و دستور، از محمود شفیمی (تهران: انتشارات نیل، ۱۳۴۴)؛ توضیحات و شرح لغات و ابیات بقلم مجتبی مینوی در آخر چاپ ایشان از داستان رستم و سهراب (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲)؛ و غننامه رستم و سهراب تألیف جعفر شعار و حسن انوری (تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۳).

اینک یک مثال از بین پنجاه شصت مورد از این نوع ترجمه را ذکر می‌کند. در مقدمهٔ داستان رستم و سهراب، این بیت مشهور آمده است:

همه تا در آزرفته فراز به کس برنشد این در راز باز

(بیت ۵)

معنی این بیت بقول آقایان شعار و انوری (و دیگر شاهنامه شناسان ایرانی) چنین است: «تو از راز مرگ، و از داد یا بیداد بودن آن آگاه نیستی، و به این پرده (پردهٔ اسرار ایزدی) راهی نداری، و چون همهٔ مردم سر بر آستان آزر (فزون خواهی و مال و مقام) نهاده و زبون آن گشته‌اند، در این راز به روی کس گشاده نشده است.» (غننامه، ص ۵۸).

مترجم بیت فردوسی را این طور ترجمه می‌کند (حروف سیاه موارد اشتباه را مشخص

می‌کند):
Though all descend to face that greedy door
For none has it revealed its secrets twice.

یعنی: «با وجودی که همه پایین می‌روند تا با آن در آزمند روبرو شوند، به هیچ کس این در اسرار خود را دوبار هویدا نکرده است.» صرف نظر از اشتباهات دیگر در ترجمهٔ این بیت، تعبیر مترجم از «آزر» در این جا کافی است که خوانندهٔ متن انگلیسی تا آخر داستان در تشخیص علت فاجعه و نیز دیدگاه فردوسی یا گمراه گردد یا دربارهٔ آن غلط قضاوت کند.

[توضیح دربارهٔ مقالهٔ مایکل سی. هیلمن]

مایکل هیلمن بار دیگر از سر نزاع و ستیزه جویی کتاب مرا به نقد کشیده است. وی بر آن شده است که نظریات و استدلالهای مرا جملگی نفی کند، حتی گاهی که نظر من مطابق نظریهٔ کلی دانشمندان این رشته است. از آنجایی که من می‌نویسم که

محیط و آرمان شاهنامه غیر اسلامی است و کلمه‌های عربی در آن بسیار نادر است، هیلمن اصرار دارد که نه - کلمه‌های عربی در شاهنامه چندان نادر نیست و ایدئولوژی فردوسی اصولاً اسلامی است و آرمان اسلامی بر داستان رستم و سهراب حاکم است. البته به نظر من نکته‌ی اساسی بحث بر سر عقاید عمده‌ی داستانهای شاهنامه است و ربطی به مسلمان بودن یا نبودن فردوسی ندارد.

هیلمن در راه ستیزه‌جویی و برای کوبیدن من تا به آن‌جا پیش می‌تازد که حتی عقاید پیشین خود را ندیده می‌گیرد و به این ترتیب به اختلاف نظر میان ما شدت می‌بخشد. مثلاً هیلمن در نقدی که نوشته است تنها بخاطر این که «سهراب و رستم» ماثیو آرنولد را «تفسیر درخشانی» (a brilliant paraphrase) نامیده‌ام، انتقاد می‌کند و تفاوت متعدد و عمده میان این دو متن را به تفصیل شرح داده است. در حالی که هیلمن در مقاله "Iranian Patriarchy" همان شعر آرنولد را مقدمه‌ی خوبی بر داستان فردوسی دانسته و نصف آن را نقل کرده است.

در مقدمه‌ی کتاب «تراژدی سهراب و رستم» ترجمه‌ام را یک ترجمه‌ی شعری معرفی کرده‌ام. هیلمن یا این توضیح را ندیده گرفته است و یا فرق ترجمه‌ی شعری و تحت‌اللفظی را در نمی‌یابد. بنابراین بیشتر عیبهایی را که او در کار من می‌بیند یا جنبه‌ی مته‌به‌خشخاش گذاشتن دارد و یا نشانگر ضعف درک ناقد است.

هیلمن نیز با تعبیر و تأویل من از داستان سهراب و رستم مخالف است، ولی چون نظریاتم هم به انگلیسی و هم به فارسی در جای دیگری قبلاً چاپ شده است، این‌جا به تکرار آن نمی‌پردازم.^۲

سرانجام هیلمن که به زیاده‌روی و اطناب در نقادی معروف است، مقصود خود را خدمت به رشته‌ی ایران‌شناسی می‌خواند، و آن را عاری از هرگونه غرض شخصی می‌پندارد. ولی ضعف انتقادش و لحن تحقیرآمیز نگارشش اشاره به آن می‌کند که هدف هیلمن چیز دیگر است.

جروم دبلیو. کلینتون

• اصل این توضیح در همین شماره به زبان انگلیسی چاپ شده، ترجمه‌ی آن نیز از نویسنده است.

1. See note 12 in Hillmann's review.

2. "The Tragedy of Sohrab," in *Logos Islamikos/Studia Islamica*, edited by Roger M. Savory and Dionisius A. Agius. Pontifical Institute of Medieval Studies: 1984, pages 63-71. Translated into Persian by Hormoz Hekmat and reprinted with some revisions as,

«تراژدی سهراب»، ایران‌نامه، سال هفتم، شماره ۳، بهار ۱۳۶۸، ص ۴۴۳-۴۵۲.

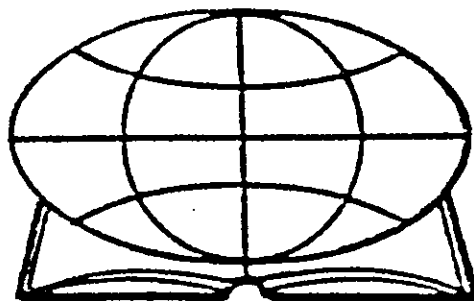
سال اول ، شماره ۴

ویژه حافظ



فصلنامه ویژه نقد و بررسی کتاب
با آثاری از: ماشاءالله آجودانی، شکرالله صبور،
الیاس عبده قدسی، بهمن فرسی، همایون
کاتوزیان، محمود کیانوش، شیدا گلستان،
پروین لؤلؤئی، محمد جعفر محبوب، منوچهر
محجوبی، ابراهیم هرندی.
با نامه هایی از شاداب وجدی، سیاوش رضوان و

علم و جامعه



جنگ اجتماعی - سیاسی - فرهنگی

مدیر: دکتر ناصر طهماسبی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نشانی:

Persian Journal for
Science and Society

P.O.Box 7353

Alexandria, Virginia 22307

بهای اشتراک: یکساله ۳۰ دلار